

دکتر احمد مهدوی دامغانی

مآخذ ابیات عربی مرزبان نامه

دار علی العزّ والتأیید مبنایها و للمکارم والعلیاء مغناها
لما بنی الناس فی دنیاك دورهم بنیت فی دارك الغراء دنیاها (ص ۴۲)
مطلع و یکی از ابیات قصیده ایست از «شیخ ابی الحسن صاحب البرید» (پسر
عمه صاحب بن عباد و یکی از شعرای مداح او) در وصف خانه‌ای که صاحب برای خود
ساخته بوده است و قسمتی از این قصیده را «ثعالبی» در (تیمه ج ۳ ص ۴۵) آورده و بنقل
از او شیخ بهائی در کشکول (ج ۱ ص ۱۸۴) نقل کرده است؛ و رجوع فرمایند بدانچه
سابقاً حضرت استاد فرزنان دام ظلّه در باره بیت اول در مجله یقما رقوم فرموده اند.

أقمنا کارهین بهافلما ألفناها خرجنا مکرهینا (ص ۲۴)
۱) بتصریح «ثعالبی» در (التمثیل والمحاضرة) ص ۸۲ و (المنتحل؟) ص ۱۷۴ و
«ابن عماد» در (شذرات الذهب ۳/۲۸۶) این بیت از «عباس بن الاحنف» شاعر متغزل
متوفی در (۱۹۲ - ه) است که گرچه در دیوان (چاپ جوائب) او یافت نمیشود ولی
بقرار نقل طایع (التمثیل والمحاضرة) در صفحه ۲۸۰ چاپ دارالکتب دیوان او
مذکور است و پس از این دو بیت چنینست:

و ما حبّ الدیار بناولکن و امرّ العیش فرقة من هوینا
خرجت اقر ما کانت لعینی و خلفت الفؤاد بهارهینا

(که مضمون بیت اخیر از طرف شاعران فارسی بصور مختلف بیان شده است.)

۲) - «یاقوت» در (معجم البلدان) ذیل (باف - از قراء خوارزم) میگوید .

..... و از همین قریه است ادیب و فقیه شافعی ابو محمد عبدالله بن محمد بافی متوفی در (۳۹۸) و اوست گوینده این ابیات :

علی بغداد معدن کل طیب و مغنی تزهة المتزهینا
سلام کلمات جرحت بلحظ عیون المشتبهین المشتبهینا
دخلنا کاهین بها
وما حب ال دیار

و ظاهر آ یا قوت غیر از تاریخ بغداد خطیب بغدادی مأخذ دیگری برای انتساب این اشعار به «بافی» داشته است زیرا آنچه را که (خطیب) از قول (ماوردی) نقل میکند مثبت انتساب این ابیات به (بافی) نیست (تاریخ بغداد ج ۱ ص ۵۳ و ج ۱۰ ص ۱۴۰)

۳) تاج الدین سبکی در (طبقات الشافعیه ج ۲ ص ۸۴) در ضمن ترجمه ابو محمد مزنی هر وی ملقب به (الشیخ الجلیل) و (الباز الابيض) متوفی در (۳۵۶-هـ) میگوید : از اشعار اوست این ابیات :

نزلنا مکرهین بها
وما حب ال دیار

در حالیکه خود «سبکی» در شرح احوال (بافی) سابق الذکر همان داستان و اشعاری را که خطیب و یا قوت و غیر هما آورده اند نقل میکند (طبقات ج ۲ ص ۲۳۴) و این نیز میرساند که (سبکی) هم در انتساب ابیات به (بافی) شک داشته. ۴) راغب اصفهانی در (محاضرات ج ۲ ص ۳۰) و در (ذریعه ص ۱۲۸) و بیهقی در (محاسن و مساوی ج ۲ ص ۸) و عزی در (شرح المصنوع به ص ۳۶۹) بیت مانحن فیه و بعض دیگر از ابیات این مقطوعه مذکور در بالا را بدون ذکر نام گوینده آورده اند. یا قوت حموی شخصاً بر این وزن و روی اییاتی دردم شهر (ارنخشمین) خوارزم سروده که خالی از لطف نیست (معجم البلدان ج ۱ ص ۱۷۸)



من کان یا مل عند الله منزلة
تنیله قرب الابرار والزلفا

اوکان یطلب دینا یتقیم به
 ولاتری عوجا فیه ولاجنفا
 از قصیده «ابی الفتح بستی» است در مدح «خلف بن احمد سیستانی» بمطلع .
 من کان یبغی علو الذکر والشرفا
 أوبیتغی عطف دهر قد بناوجفا
 که «عتبی» آنرا در «تاریخ یمینی» آورده است . و مقطع همین قصیده است
 بیت مشهور و مستشهد به که بر پشت جلد یا صفحه اول . یاری از کتب درسی قدیم
 بقصد تقریظ آن کتاب نوشته میشد :
 لایلحق الواصف المطری فضائله
 وان یکن سابقافی کل ما وصفا

والظلم من شیم النفوس فان تجد
 ذاعفة فلعللة لاتظلم
 بیت مشهور «متنبی» در آخرین قصیده او (که آنرا در مدح ابی العشائر و
 هجو اسحق بن کیفلیغ سروده است) بمطلع :
 لهوی النفوس سریره لاتعلم
 عرضا نظرت و خلت انی اسلم
 که بسیاری از آیات این قصیده رائقه در حکم امثال سائره است . (دیوان
 چاپ صادر ص ۴۸۹)

وجعات عنوان السماح طلاقه
 وكذا لكل صحيفة عنوان (ص ۴۶)
 از «مؤیدالدین طغرائی» است در قصیده بمطلع :
 لقیاک من غیر الزمان أمان
 من این يعرف جارك الحدان
 در مدح مجد الملك اسعد بن محمد . (دیوان ص ۴۱)

من یفعل الخیر لایعدم جوازیه
 لایذهب العرف بین الله والناس (ص ۴۶)
 این بیت از قصیده مشهور «جرول بن اوس عبسی» که بسبب کوچک اندامی و
 کوتاه قدی به (حظیئة) (یعنی شپشک) ملقبش ساخته اند میباشد . ابن قصیده که
 بمطلع :

علام کلفتنی مجد ابن عمکم
 والعیس تخرج من اعلام او طاس

است در هجو «زبرقان بن بدر» و مدح «بغیض بن عامر بن شماس» سروده شده و داستان
تظلم «زبرقان بن بدر» بمحضر خلیفه ثانی رضی الله عنه و تحکیم «حسان بن ثابت» در این
دعوی و حبس کردن جناب عمر حطیئه را و اشعار حبسیه حطیئه در بسیاری از کتب
ادب و سیر آمده است. ابی الفرج در «آغانی» می آورد که: ابو عمر و بن العلاء
گفته است که عرب سخنی راست تر از شعر حطیئه که من يفعل الخیر لایعدم
نگفته است. (آغانی ج ۲ ص ۵۵ - دیوان حطیئه چاپ شنقیطی ص ۵۵)

أرید مکانا من کریم یصوننی والافلی رزق بکل مکان
از ابن رومی، شاعر معروف قرن سوم (متوفی در ۲۸۲ - ه) است در ضمن
مقطوعه چهار بیتی از او که راغب آنرا در (محاضرات) آورده است ولی در دیوان
ابن رومی که بهمت (کامل کیلانی) بچاپ رسیده است این مقطوعه نیامده است.
و اینک تمام آن مقطوعه:

إذا أنا نالتنی فواضل مفضل فأهلا بها مالم تکن بهوان
فاما اذا کان الهون قرینها فبعد الهاماینقضى لاوان
ومن ذا الذی یلتذ شهدا بعلقم أبت لهوائی ذاک والشفقان
أرید مکانا من کریم یصوننی والافلی رزق بکل مکان

(محاضرات ص ۲۵۸ ر ۲۶۱)

